

یادآوری وعده تاریخی مدیران شهری به تهرانی‌ها

بایتخت بدون شهرسازی

روزگاری نه‌چندان دور، شهرسازی‌رفتن لذت دیگری داشت؛ تفریح جذاب تابستانی خانواده‌ها بود و حتی بسیاری از خانواده‌هایی که به تهران سفر می‌کردند، یک بار سری به شهرسازی می‌زدند. تهران، سال‌هاست دیگر شهرسازی ندارد و مکان‌های تفریحی سرپسته پاساژها و مال‌ها، آن کارکرد جمعی و خانوادگی خاطره‌انگیز را ندارند و نسلی که شاید بسیاری از ابزار مدرن را برای تفریح و سرگرمی تجربه کرده باشند، اما لذت شهرسازی‌ها را نچشیده‌اند.

صفحه ۶

سرمقاله

چگونه می‌اندیشیم؟

سیاست‌گذاری نظامی –امنیتی (۳)



کیومرث‌اشترینان

آخرین بخش در موضوع سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی از نظر خوانندگان می‌گذرد.

۹- یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های امنیتی برای هر کشوری آن است که نیروی امنیتی و اختیارات او در مدت‌زمانی طولانی تحت تأثیر افرادی غیرمرتبط با کار او و با انگیزه‌های مشخص سیاسی قرار بگیرد. این‌گونه به تدریج حیطه عمل سیستم به‌طور ناخودآگاه در تسلط ششماری اندک درمی‌آید و راه برای جدایی از مردم، نفوذ و ده‌ها آسیب دیگر فراهم می‌شود. این مسئله کارایی مؤلفه امنیت را در بهره‌برداری از همه نیروهای ملی که ازجمله در فناوری‌های نوین متجربند، بازمی‌دارد. در چنین شرایطی توصیه می‌شود در حیطه اجرای امنیت از جناح‌های گوناگون استفاده شود نه از یک جناح یا حلقه سیاسی خاص. توصیه می‌شود مدیران نظامی-امنیتی چون جریان رود، نوبه نو تغییر یابند تا گرفتار آسیب‌های موجود در جریان اجرایی نشوند. ۱۰- فناوری‌های جدید می‌توانند رژیم امنیت بین‌الملل را دچار دگرگونی اساسی کنند. مرزبندی‌ها به‌تدریج تغییر می‌یابد. رژیم امنیت دیجیتال، کشورها را در هم می‌پیچد. هرکجا نقش توریسم بین‌الملل را بیش از پیش ایفا می‌کنند. رژیم‌های کنترل تسلیحات دیجیتال در حوزه‌هایی مانند فضای سایبری، هوش مصنوعی، سلاح‌های خودکار و... گریزناپذیر است و اینها همه و همه نیازمند اطلاعات و اشراف فنی-تخصصی در امور نظامی-امنیتی دیجیتال است. در فرایند «دیجیتالیزیشن» روابط نظامی-امنیتی بیش از پیش با روابط بین‌الملل گره می‌خورد. اتحادیه‌های جدیدی حول پلتفرم‌های امنیتی می‌تواند شکل بگیرد. این شرایط حوزه‌های جدیدی را می‌گشاید و از تئوری‌های مشترک جدیدی را هم‌زمان برای دستگاه دیپلماسی و دستگاه امنیتی-نظامی پدید می‌آورد. شناسایی این حوزه‌ها از منظر تدابیر سیاست‌گذاری عمومی ضروری است.

۱۱- تحولات دیجیتال از هوش مصنوعی و انبوه‌داده گرفته تا رشد شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش حوزه شناختی را به موضوعی امنیتی تبدیل کرده است. علوم شناختی، هوش مصنوعی، داده‌کاوی، الگوریتم‌های قابل اعتماد برای پشتیبانی از محاسبات و... به موضوعاتی تبدیل شده‌اند که شناخت عمیقی برای آن لازم است. نمی‌توان سرنوشت آن را به آدم‌های غیرمتخصص یا جناحی سپرد. آسیب این است که حوزه شناختی را به آدم‌های غیرمتخصص و شعارپرداز بسپاریم که فکر می‌کنند همه چیز می‌دانند و از تئوری‌های توطئه بهره می‌برند. آسیب مهم‌تر این است که این افراد مبادا مقامات سیاسی-امنیتی را گمراه کنند؛ این است همه رنجی که می‌کشیم؛ در گذشته گاه برخی از سخنرانی‌ها و برنامه‌های موجود در رسانه‌های عمومی را در حد شوخی می‌پنداشته‌ایم، اما شگفت‌آور آنکه همین افراد سر از محیط‌های تصمیم‌ساز اجرایی درمی‌آورده‌اند.

۱۲- هرچه پیچیدگی اجتماعی، اقتصادی و فناوری بیشتر می‌شود، رژیم‌های سیاسی در معرض «ناآگاهی فرایندی» و «غفلت ساختاری» قرار می‌گیرند. فرایندهای سیاست‌گذاری می‌تواند در غفلت دیوانی غرق شود؛ چون نظام اداری به تدریج از «کارشناسی» به کارمندی تحول می‌یابد و توان درک نظامات دانشی جدید را نمی‌یابد. این پدیده به تدریج به ناشنوایی، ناپیایی و گنگی در ساختارهای سیاسی، سازمانی، امنیتی و... منجر می‌شود. به‌مثابه یک راه‌حل (و البته در حد یک اشاره) آنچه از آن به نوآوری باز (open innovation) تعبیر می‌شود، می‌تواند فضای باز سازمانی را در امور امنیتی نیز بگشاید و ایستارهای ذهنی و ناراسی‌های ساختاری را در معرض نقد برون و درون‌سازمانی در دستگاه‌های امنیتی قرار دهد. این خود یک اقدام مثبت امنیتی است. فضای باز و آزاد امنیت بیشتری به ارمغان می‌آورد؛ چون همگان در معرض قضاوت و اصلاح از سوی دیگران هستند.

۱۳- «پلتفرم‌های دیجیتال» در دنیای امروز به بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی-امنیتی تبدیل شده‌اند تا جایی که سخن از «سرمایه‌داری پلتفرمی» می‌رود. بیره نیست که به «امنیت ملی پلتفرمی» اشاره کنیم و اینکه شرکت‌های فناوری بزرگ می‌توانند قدرتی سهمگین تولید کنند که دولت‌های ملی و نظامات فعلی بین‌المللی را به چالش بکشد. شرکت‌های بزرگ فناوری ابرقدرت‌های جهان جدید هستند؛ با ابزارهای اقتصادی «تسلیمات» جدید و نیروهایی کاملا متفاوت. این، چشم‌انداز دیگری را در امور امنیتی برای ما می‌گشاید و اینکه پیوندهای بسیار عمیق‌تر و تفاهمی مدنی باید میان نیروهای اجتماعی، کارشناسان فنی و کارشناسان نظامی برای امنیت ملی پدید آید. نیاز به «سئل کارشناسی مدنی» چنان است که نمی‌توان امنیت را یک‌جانبه و بدون توجه به مطالبات نیروهای مدنی و تفاهم اجتماعی-سیاسی با آنان در نظر گرفت. تاب‌آوری امنیتی با تاب‌آوری اجتماعی پیوند عمیق‌تری یافته است و هیچ‌یک از این نیروها نمی‌تواند بر طبل واگرایی بکوبد. در این فضای جدید، نهادهای دموکراتیک بیش از پیش به زیرساختی حیاتی برای امنیت ملی تبدیل شده است.



یکشنبه ۵ تیر ۱۴۰۱ • ۲۶ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

بورل و عبداللهیان از بازگشت ایران و آمریکا به میز مذاکرات خبر دادند

برجام در دسترس؟

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



عکس: امیرجدیدی

در کنار این موضوع هم بارها شاهد انتقاد فعالان اجتماعی از دسترس‌بودن مواد مخدر در محلات بودیم که همین سهل‌بودن بر شدت گستردگی اعتیاد مؤثر خواهد بود، مرم افراز، فعال مدنی هم اشاره می‌کند که الان تهیه مواد از تهیه یک تکه نان هم آسان‌تر است و بر همین اساس تا وقتی که وضعیت اعتیاد زنان و کودکان انکار شود و در سطح ملی بررسی نشود و از سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده نشود، نمی‌توان درباره کاهش آسیب صحبت کرد. با وجود این گستردگی اعتیاد بین زنان و کودکان، اما آمار دقیقی از آن در دسترس نیست تا برای کاهش آسیب به تناسب آن اقدامی صورت گیرد، سال گذشته هم رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی گفته بود: متأسفانه اطلاعات دقیق و شفاف و به‌روزی نداریم که بتوانیم به قطعیت الان بگوییم آمار اعتیاد یا اختلال مصرف مواد چقدر است، چه برای زنان و چه برای مردان. درباره زنان به‌دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی عدم قطعیت در آمارها بیشتر است و طبق شیوع‌شناسی سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰ درصد جمعیت مصرف‌کننده مواد، زنان بوده‌اند که با توجه به برآورد جمعیت مصرف‌کنندگان مواد (دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر) زنان معادل ۲۸۰ هزار نفر از این جمعیت‌اند.

نسترن فرخه: به اجبار پدرم ازدواج کردم و به اجبار همسرم مواد مصرف کردم، اما به‌خاطر فرزندانم پاک شدم و پاک می‌مانم. اعتیاد همچون سیاهی، زیست هر انسانی را به تباهی می‌کشاند و محلات حاشیه پر است از زنان و کودکانی که اجبار و جبر علت تباهی آنها شده و بدون هیچ بناهی تنها راهشان جلودرفتن در این مسیر سنگلاخی است که البته با وجود افزایش رو به رشد معضلات اجتماعی، اعتیاد شکل زنانه و کودکان هم به خود گرفته است، یعنی درگیری و اعتیاد در بین زنان و کودکان بیشتر شده و حتی در اردیبهشت سال قبل مدیر کل درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه تخمین زده می‌شود که حدود ۱۵۶ هزار زن معناد در کشور وجود داشته باشد، گفته بود: طبق بررسی‌های پراکنده صورت‌گرفته، سرعت رشد اعتیاد در زنان و جوامع زنانه رو به افزایش است.

متن و حاشیه

قاچاق و سرمایه‌گذاری اندک، مانع رشد تجارت الکترونیک

نسبت به محصول خارجی عرضه می‌شود؛ بنابراین کالایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود و در بازار اقلانی در دسترس است، از استقبال بیشتری برخوردار است. کالاهایی که امکان عرضه در پلتفرم‌های بزرگ آنلاین را ندارد؛ زیرا ماهیت این پلتفرم‌ها بر مبنای شفافیت است. تجارت الکترونیک به دلیل شفافیتی که دارد قادر به رقابت با بازار قاچاق نیست و دراین‌میان نه مصرف‌کننده ایرانی راضی است، نه تولیدکننده داخلی سود می‌برد، نه تجارت الکترونیک رونق می‌گیرد و نه حتی از این بازار نفعی نصیب دولت می‌شود. درحالی‌که واردات قانونی و عرضه در بازارهای شفاف مثل فروشگاه‌های آنلاین، به دولت در مدیریت عرضه و تقاضا نیز کمک می‌کند. بازار قاچاق نَفَس تجارت الکترونیک را بریده است و اگر فکری به حال آن نشود، سهم تجارت الکترونیک در ایران رشد درخور توجهی نخواهد داشت.

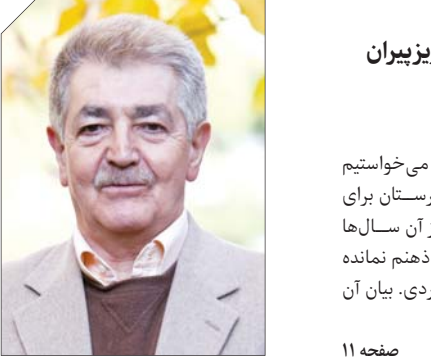
دلیل دوم سهم کوچک تجارت الکترونیک در ایران، موضوع سرمایه‌گذاری ناچیز در این حوزه است. تجارت الکترونیک برای مقیاس‌پذیری نیاز به سرمایه‌گذاری‌های درخور توجه دارد. حجم سرمایه‌گذاری انجام‌شده در همه حوزه‌های تجارت الکترونیک در ایران از بدو پیدایش تاکنون کمتر از نیم‌میلیارد دلار تخمین زده شده است. درحالی‌که سه استرات‌آپ کثیر و ترندبول در ترکیه و نون‌دات‌کام در امارات متحده، فقط در سال گذشته میلادی در مجموع حدود ۵.۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده‌اند. نیم‌میلیارد دلار در ۱۵ سال، در مقابل ۵.۵ میلیارد دلار در یک سال! یکی از دلایل عدم سرمایه‌گذاری در ایران تحریم‌ها بوده است. تجارت الکترونیک صنعتی پیشران است که عدم ارتباط با دنیا موجب کوچک‌ماندن آن می‌شود. تحریم‌ها امکان

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها: پرویز پیران

کوزه‌های پر از خون

خیلی سال‌های دور رفته بودیم همدان و از آنجا می‌خواستیم برویم لاله‌جین تا گزارشی از سفالگری این شهرستان برای مجله «کیهان بچه‌ها» تهیه کنم. الان آن‌قدر از آن سال‌ها می‌گذرد که هیچ نقطه درخشانی از آنجا در ذهنم نمانده است جز کوزه‌های گلی و ظرف‌های سفالی لاچوردی. بیان آن خاطرات هم ارزشی ندارد...

صفحه ۱۱



برخی ابریده‌کاران بانکی وام‌های کم‌بهره با مهلت بازپرداخت ۴۰ساله و بیشتر گرفته‌اند

دست‌ودل‌بازی‌های عجیب بانکی

واشکافی ریشه اصلی انشقاق در میان اصولگرایان

رؤیایی که در راه ماند

معضل جدید ورزشکاران ایرانی برای سفر به ینگه دنیا

کارت پایان خدمت سپاه وویزای آمریکا

پیام‌های مجازی کار خود را می‌کنند

روحانی و رئیس‌روی ترازوی اینستاگرام

یادداشت روزنامه‌نگاران

لزوم توجه به آموزش ریاضیات



علی معظمی

کنکور ورودی دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۱ آخر همین هفته آغاز می‌شود. مجموعاً یک میلیون و ۴۸۹ هزار و ۴۹ نفر در پنج رشته کنکور ثبت‌نام کرده‌اند. از این تعداد رشته تجربی با ۵۴۷ هزار و ۴۲۲ نفر بیشترین داوطلب را دارد و رشته ریاضی با ۱۴۵ هزار و ۲۴۷ نفر، یعنی زیر ۱۰ درصد کل داوطلبان، کمترین تعداد را. در سال‌های اخیر درصد داوطلبان ریاضی به‌طور پیوسته رو به افول بوده است. اگر بی‌رغبتی به ادامه تحصیل در رشته ریاضی را کنار واقعیت‌های دیگری بگذاریم، معلوم می‌شود که با چه بحرانی در آموزش این رشته مواجهیم؛ اول اینکه در سال‌های اخیر با بهانه‌هایی سست، بخش‌هایی از محتوای آموزشی ریاضیات دبیرستانی حذف شده و به‌طور مرتب از محتوای تدریس ریاضیات کسر شده است، دوم اینکه اگر به کارنامه پذیرفته‌شدگان سال‌های اخیر در رشته‌های علوم ریاضی و فیزیک و مهندسی شهرهای مختلف نگاه کنیم می‌بینیم که شمار قابل توجهی از داوطلبان با درصد‌های نزدیک صفر یا حتی منفی در درس‌های ریاضیات (فیزیک) در این رشته‌ها قبول شده‌اند، یعنی همین محتوای باقی‌مانده را نیز به‌درستی نیاموخته‌اند. بی‌رغبتی به ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با ریاضیات چند دلیل می‌تواند داشته باشد؛ ضعف آموزش قاعدتاً یکی از این دلایل است. درسی که عموماً به‌خوبی تدریس نشود، رغبتی برای ادامه نیز بر نمی‌انگیزد. دیگر اینکه با روند مزمن صنعت‌زدایی از فرصت‌های شغلی واقعی مهندسی و طراحی کاسته شده و دانش‌آموزان آتیه‌ای در خواندن رشته‌های مربوط به ریاضی نمی‌بینند. این خود به دور باطلی دامن می‌زند که آینده کشور را، در این دوران لوچ‌گرایی پیوسته فناوری و صنعت، تهدید می‌کند. بدون آموزش صحیح و پرمحتوای ریاضیات، آینده صنعت و اشتغال واقعی تاریک است و با افول بیش از پیش توان تولید فناوریانه صنعتی، بیش از پیش با این خطر مواجه می‌شویم که زبردست کشورهای دیگر شویم. مسئله مهم‌تر اینکه آموزش ریاضیات در واقع آموزش اندیشیدن منطقی و مال خود کردن استدلال است. از عوام و خواص کسانی می‌گویند «این درس‌ها به چه دردی می‌خورد؟ مگر چند نفر بعد از آنها استفاده می‌کنند؟». این کسان وقتی قدرت‌ش را داشته باشند زمینه‌ساز حذف این درس می‌شوند، ولی این حرف نوعی تجاهل نسبت به اهمیت آموزش ریاضی است. دند. آموختن ریاضیات نوعی پیش‌اساسی به محصلان عرضه می‌کند و توانایی تحلیل‌شان را ارتقا می‌دهد. در این کشور هنوز بعد از سه دهه کاسی‌های هرمی رونق دارند و قربانی می‌گیرند، ولی باید واضح باشد کسانی که حداقلی از پیش ریاضی داشتند براینان کفایت می‌کرد که به دام چنین شیادانی نیفتند. کسانی که ریاضیات را خوب می‌آموزند، به همراهش اعتمادبه‌نفس استدلال‌کردن مستقل را هم کسب می‌کنند. در آستانه مشروطه بخش‌های بیدار جامعه ایران، با وجود دولتی که مردم را باسواد نمی‌خواست، خود دست به کار ترویج علوم زدند. چنین رویکردی شاید در برابر پیچیدگی‌های معاصر تکافو نکند، اما امروز هم جامعه مدنی و دانشگاهیان مسئول می‌توانند به عشق بهروزی فرزندان ایران و به‌ویژه کم‌برخوردارترینشان، برای ارتقای آموزش ریاضی‌آموز چوبی کنند. چنین بذل فکر و توانی به معنای گذشت از مسئولیت «مسئولان» نیست، بلکه راهی است برای ارتقای همبستگی و توانایی‌های جامعه.